

آن این که در موضوع مورد بحث منابع تحقیق فراوان است و در حوزه‌های مختلف علمی آثار گوناگونی، اعم از قدیم و جدید وجود دارند، ولی در تدوین این نوشتار بیش‌تر از آیات قرآن کریم و تفاسیر قرآنی استفاده شده است. هم به جهت این که قرآن کریم محکم‌ترین و متقن‌ترین منبع علمی است و هم به این دلیل که مورد وفاق همه گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی می‌باشد.

افزون بر این، در باب تعلیم و تربیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، آیات متعدد قرآن وجود دارند که می‌توان مبانی، اصول، اهداف و روش‌های پیامبر را در این زمینه به روشنی به دست آورد و به دیگران عرضه داشت. از میان تفاسیر هم اغلب، به تفسیر مهم المیزان استناد شده و از میان ترجمه‌های قرآن، عموماً از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی استفاده شده است.

روش‌های تربیت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و اثر «روش» در منابع واژه‌شناسی به معنای راه، طرز، طریقه، سبک و امثال آن آمده^۱ و در اصطلاح هم به معنای مختلف به کار رفته است. روش در لسان کارشناسان امور تربیتی عبارت است از دستور العمل‌های جزئی و شیوه‌های رفتاری نسبتی بر مبانی و اصول تربیتی که نحوه رفتار مربی را در اجرای فرآیند تربیت معین می‌کند.^۲

در این نوشتار، منظور از روش یک نوع رفتار و عملکرد نظام یافته و هدف‌مندی است که مربی در اجرای فرآیند تربیت در پیش می‌گیرد و بر اساس آن فعالیت‌های تربیتی خود را، در جهت نیل به هدفی مشخص انجام می‌دهد. بر این اساس، روش در باب تربیت طریقه و شیوه‌ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد و مربی بر محور آن، رفتارش را تنظیم و فرایند تربیت را به سامان می‌رساند. البته، روش‌های تربیت قابل تغییر و تحول است و مربی می‌تواند از میان روش‌های متعدد، بهترین شیوه را انتخاب نماید. روش‌های تعلیمی و تربیتی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به حوزه‌های مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری قابل تقسیم است که در این جا با توجه به آیات و روایات در این سه مقوله که هر کدام شامل شیوه‌های جزئی‌تری خواهد بود، به بحث می‌پردازیم.

روش‌های شناختی تربیتی پیامبر اعظم در قرآن کریم^(۱)

محمد احسانی

مقدمه

هر چند روش‌های تربیتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در قرآن فراوان است و شاید نتوان به همه آن‌ها پرداخت، ولی به مهم‌ترین روش‌های که مورد استفاده ایشان و سایر انبیا بوده و در آیات قرآن صریحاً به آن‌ها اشاره شده است، می‌پردازیم. منظور از این بحث معرفی چهار تربیتی پیامبر است و این که ایشان چه روش‌هایی را در تعلیم و تربیت بشر به کار برده‌اند.

ذکر این نکته را در آغاز سخن لازم می‌دانم و



نکته قابل توجه این که تقسیم‌روش‌ها به سه قسم یاد شده صرفاً به جهت سهولت کار است، وگرنه یک‌روش ممکن است فراتر از این سه حیطة کاربرد داشته باشد. مثلاً روش الگویی هم می‌تواند شناختی، عاطفی و رفتاری باشد و متربی در هر سه می‌تواند سرمشق انتخاب کند.

روش‌های شناختی تربیتی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)

آن چه از متون دینی، یعنی آیات و روایات به دست می‌آید این است که اساس هدایت اسلام بر مبنای علم و معرفت استوار شده، نه تقلید و پیروی کورکورانه. اسلام می‌خواهد تا آن جا که افراد بشر ظرفیت و استعداد دارند دل‌های شان را پر از علم و معرفت کند؛ معرفت به خدا، معرفت به قیامت، معرفت به جهان هستی و معرفت به همه پدیده‌های زندگی. چون شناخت انسان نسبت به مسائل زندگی و آگاهی از موضوعات مختلف به ویژه اندیشه‌های دینی و مذهبی تأثیر فراوان در رفتار وی دارد؛ چه، اگر وجود انسان را بشکافیم و تجزیه و تحلیل کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که مهم‌ترین بخش وجود او بُعد معرفتی اوست.

ای برادر تو همین اندیشه‌ای

ما بقی خوداستخوان و ریشه‌ای
به نوشته علامه طباطبایی: صلاح عالم انسانی به سه چیز است: باورهای حق و درست؛ اخلاق فاضله و شایسته؛ اعمال نیک و پسندیده. اخلاق و عمل در صورتی نیکو و پسندیده خواهد بود که برخاسته از عقیده صحیح و اندیشه درست باشند، وگرنه ارزشی نخواهند داشت.^۳ چرا که «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»؛ «سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح آن را بالا می‌برد.» کلام پاک و عمل صالح عقیده حق نشأت می‌گیرد و از این رو است که ابتدا باورها را باید درست کرد تا عمل درست گردد. برای تقویت و پرورش نیروی شناخت روش‌هایی وجود دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. تقویت فکر و اندیشه:

دین اسلام بر پایه عقل و علم بنا شده است و همواره از این مبنای منطقی خود دفاع می‌کند؛ طبیعی است که چنین دینی با گسترش

فرهنگ تعقل و تفکر در جامعه، گسترش می‌یابد. اگر مربی بتواند در پرورش عقل و آگاهی متربی از راه کارهای مناسب و مؤثر استفاده کند، قادر خواهد بود در بعد علم و عمل، هم سطح آگاهی وی را بالا برد و هم تربیت درست کند. از این رو، عمده سعی و تلاش انبیا در طول تاریخ این بوده که قبل از هر چیز فکر و اندیشه مردم را درست کنند و به جای افکار مادی و ظاهری، اندیشه‌های عمیق دینی و حقیقت بین را در ذهن و دل آن‌ها جایگزین سازند؛ چرا که اغلب اشتباهات مردم در هر عصر و زمانی ناشی از ظاهر بینی و عدم تعقل و تفکر آنان به ماورای جهان ماده و دل بستن به زرق و برق دنیا بوده است. چنان چه مادی مسلکان و بت پرستان قدیم و جدید، همواره در برابر انبیا چنین استدلال می‌کردند: «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيُ وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»؛ «چیزی جز همین زندگی دنیا دار کار نیست؛ گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آن‌ها را می‌گیرند و جز طبیعت و روزگار، ما را هلاک نمی‌کند.»

چنین اندیشه دُغم و بسته که بر فضای دوره جاهلیت پیش از اسلام حاکم بود، به مردم فرصت نمی‌داد تا آفاق دیدشان را فراتر از جهان ماده به جویان بیندازند و خالق یکتا را به عنوان آفریدگار نظام هستی پذیرفته به او ایمان بیاورند.

بر این اساس، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دعوت خود را با تعلیم و تربیت شروع کرد و قبل از همه به اصلاح فکر و اندیشه مردم جزیره العرب پرداخت. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مبارزه با این گونه افکار کوشید تا فکر بسته آنان را، از راه‌های مختلف باز نموده، اندیشه مادی‌شان را تبدیل به اندیشه الهی کند. بدین جهت است که بخش اعظم آیات قرآن درباره تعقل و اندیشه ورزی نازل شده و زمینه‌های گوناگون تفکر را به انسان ارائه می‌دهند. واژه‌های عقل، فکر، تدبیر، تأمل و مشتقات آن‌ها فراوان در آیات قرآن به کار رفته و انسان را به استفاده از نیروی فکر و اندیشه فرا می‌خوانند. در این مورد لازم است به چند نمونه از دعوت قرآن به تفکر اشاره کنم:

۱.۱. تفکر در خلقت زمین و آسمان و اختلاف شب و روز:

عقل و خرد قوه‌ای است در نفس انسان که

حسن و قبح، خیر و شر و کمال و نقص را تشخیص می‌دهد.^۷ به عبارت دیگر عقل یک نیروی حساب‌گر در باطن انسان است که فرد می‌تواند به وسیله آن آگاهانه بسنجد و جوانب امر را دقیقاً بررسی کند، که چه تأثیری نسبت به آینده و سرنوشت او دارد؛ سپس به تناسب آن، تصمیم بگیرد و به گونه‌ای رفتار کند که برایش نتیجه مطلوبی داشته باشد.^۸

عقل با این وصف معیار فضیلت و برتری انسان است^۹ و در قرآن کریم به بهره‌گیری از آن فراوان تأکید شده است. هدف از تأکید خداوند بر تعقل و تفکر، آن است که انسان شالوده زندگی خویش را بر بنیاد عقل و خرد بنا نهد و از اسارت جهل و نادانی و از پیروی کور کوران دیگران رهایی یابد؛ چه این که در هر عصر و زمانی ابر تیره جهل و نادانی بر جوامع انسانی حاکم است و فضای جامعه را به قدری آلوده و تاریک می‌سازد که عده زیادی در این فضای غبارآلود از درک حقایق باز می‌مانند.

طبیعی است که استعمارگران و زورمندان جامعه، در ایجاد چنین فضایی نقش بسزا دارند و خود از شرایط به وجود آمده به نفع خویش استفاده می‌کنند. انبیای الهی برای هر ملتی در طول تاریخ آمدند تا غبار جهل و نادانی را از فضای جامعه بزدایند و مردم را با معارف توحیدی آشنا سازند. مهم‌ترین هدف انبیا این بود که مردم را از زیر یوغ ظلم و استبداد ستمگران برهاند و زمینه‌ای را فراهم آورند تا خودشان بیندیشند و عاقلانه تصمیم بگیرند.

اگر عقل انسان شکوفا گردد و گردد و غبار هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی روی آن ننشیند، می‌تواند راهنمای خوب، برای او باشد و راه حق را به وی نشان دهد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «العقل دليل المؤمن»؛^{۱۰} «عقل راهنمای خوبی برای مؤمن است.» یعنی نیروی فکر و اندیشه، آدم با ایمان را به راه درست و صراط مستقیم هدایت می‌کند و به او نشان می‌دهد که از چه کسانی باید پیروی نماید. به فرموده آن حضرت عقل حجت باطنی است و کارش روشن‌گری و هدایت انسان می‌باشد.^{۱۱}

بنابراین، اگر انسان به عقل خود مراجعه کند و متوجه شود که پروردگاری دارد که ممکن است روزی با او دیدار کند و به سویش برگردد، یقیناً در ترک مخالفت و رعایت احتیاط درنگ



و چگونگی پیدایش آن ببینید، بی تردید به وجود آفریدگار قادر و توانای آن، اذعان خواهد کرد؛ چرا که چنین نظام عظیمی قطعاً بدون خالق و آفریدگار پدید نیامده است. از این رو، قرآن کریم خطاب به کفار می‌فرماید: ﴿أولم ير الذين كفروا أن السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾^{۱۸} «آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آن‌ها را از یکدیگر باز کردیم، آیا [آنان با این حال] ایمان نمی‌آورند؟»

از مجموع آیات مربوط به تفکر و تعقل در زمینه‌های مختلف به دست می‌آید که یکی از راه‌های تقویت شناخت، اندیشه در خلقت زمین و آسمان و اسرار نهفته در آن است. البته تفکر در قرآن، در خلقت زمین و آسمان منحصر نیست، بلکه مواد گوناگونی در آیات و روایات وجود دارد که زمینه اندیشه و تأمل را فراهم می‌سازد. ملامهدی نراقی در باب تفکر نوشته است: «مراد از تفکر این است که آدمی در هر شبانه‌روز ساعتی به فکر اخلاق باطنی و افعال ظاهری خود بیفتد و از حال دل و اعضاء و اندام‌های خود جست و جو کند. اگر دل خود را بر راه راست و طریق عدالت و متصف به فضایل اخلاقی و دور از ردائیل درونی یافت و اعضا و جوارح خویش را مشغول طاعات و عباداتی که به آن‌ها متعلق است و ترک گناهانی که به آن‌ها مربوط است دید، خدا را بر این توفیق عظیم سپاس گذارد؛ و اگر در دل خود چیزی از ردائیل دید یا آن‌ها را تهی از بعضی فضایل یافت، در صدد علاج برآید و اگر برخوردار، گناهی از او سرزده یا طاعتی از او ترک شده یا پشیمانی و توجه به آن، طاعت فوت شده را قضا و تدارک کند.»^{۱۹}

۱.۲. تفکر در خلقت بعضی مخلوقات:

در قرآن کریم مواد مختلفی برای خردورزی ذکر و از مردم دعوت به تفکر در آن زمینه شده است. از جمله در مورد برخی حیوانات دستور به تفکر داده و از انسان‌ها خواسته است که درباره آن‌ها ببینند و بدانند که آن‌ها خود به خود به وجود نیامده، بلکه آفریدگاری داشته‌اند که آن‌ها را آفریده است. درباره خلقت شتر می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُوا إِلَى الْأَيْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾^{۲۰} «آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟»

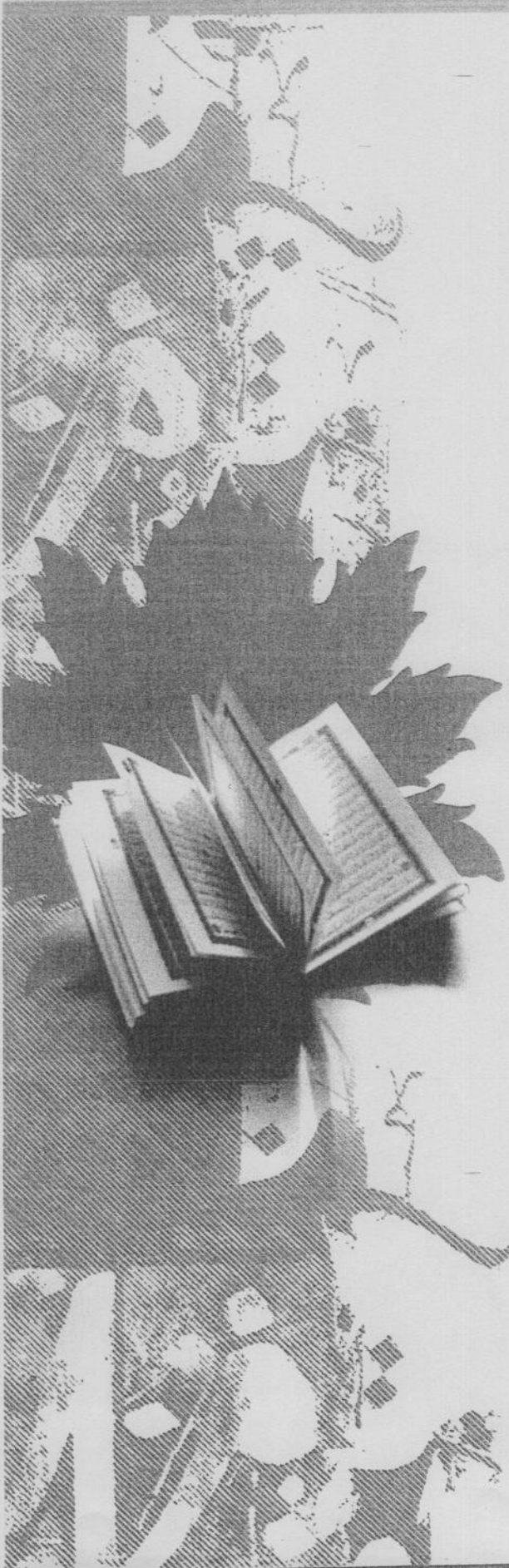
تأکید بر توجه به آفرینش شتر در منطق قرآن به این نکته رهنمون می‌سازد که شتر واقعاً

نمی‌کند تا علم برایش حاصل شود، بلکه همان مظنه کافی است و او را وادار به احتیاط می‌کند تا روزی به خطر نیفتد. چنان که اگر به حمله دشمن گمان برد، نهایت احتیاط و آمادگی را به عمل می‌آورد، چون خطر بزرگ است.^{۱۲}

یکی از راه‌های تقویت فکر و اندیشه در قرآن کریم، تفکر در خلقت زمین و آسمان است که آیات متعددی توجه مردم را به آن جلب می‌کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْإِلْهَابِ﴾^{۱۳} «مسئلاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است.» در این آیه نخست به عظمت آفرینش زمین و آسمان اشاره شده، سپس از آمد و رفت شب و روز سخن رفته است. خداوند می‌گوید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه‌های روشنی برای صاحبان خرد و اندیشمندان است و بدین ترتیب مردم را به اندیشه ورزی در این آفرینش بزرگ فرا می‌خواند تا هر کس به اندازه استعداد و توان فکری‌اش از این سرچشمه صاف اسرار خلقت سهمی ببرد. پشت سر هم قرار دادن شب و روز به خاطر این است که اگر انسان در یکی از این دو زمان ایمان نیاورد و یا به خدا تقرب نجست، در زمان دیگر ایمان بیاورد و تقرب بجوید.^{۱۴}

«به راستی، جهان آفرینش و نقش‌های بدیع و طرح‌های زیبا و دل‌انگیز آن و نظم فوق العاده‌ای که بر آن حاکم است، هر حرف و کلمه آن دلیل بسیار روشنی بر وجود وحدانیت آفریدگار جهان است.»^{۱۵} در روایتی از علی (علیه‌السلام) نقل شده که هرگاه سامع خدا صلوات الله علیه و آله برای نماز شب بر می‌خاست، نخست مسواک می‌کرد و سپس نظری به آسمان می‌افکند و آیات مربوط به آفرینش آسمان و زمین را زمزمه می‌نمود.^{۱۶}

در برخی آیات دیگر به هدف‌مندی نظام زمین و آسمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعْبَادٍ﴾^{۱۷} «ما آسمان و زمین و آن چه در میان آن‌هاست را از روی بازی و بیهوده نیافریدیم» بلکه در آفرینش آن دو غرضی نهفته است و هدفی در کار است که انسان عاقل و اندیشمند به این امر آگاه می‌شود. روشن است، اگر کسی در خلقت زمین و آسمان





آیتی است از آیات خداوند: چون ویژگی‌های عجیبی در شتر وجود دارد که او را از حیوانات دیگر ممتاز می‌کند. نیرومندی و مقاومت فوق العاده شتر در برابر مشکلات تشنگی، گرسنگی، خستگی و حمل بارهای سنگین از خصوصیات بارز آن است که دیگر حیوانات تحمل چنین سختی‌ها را ندارد؛ در حالی که خوابیده است او را بار می‌کنند و پس از بارگیری با یک حرکت از زیر بار سنگین بر می‌خیزد که هیچ حیوانی چنین قدرتی ندارد. او می‌تواند روزهای متوالی در بیابان و صحرا در میان طوفان‌های هولناک راه برود و از سرزمین‌های شتزار و صعب‌العبور بگذرد و به مقصد برسد. شتر با تمام قدرتی که دارد از رام‌ترین حیوانات است و حتی یک بچه می‌تواند مهار یک قطار شتر را در دست گرفته آن‌ها را راه برود.^{۳۱} افزون بر آن چه اشاره شد، به لحاظ هیكل ظاهری و ساختار فیزیکی نیز شتر دارای شگفتی‌هایی مخصوص به خود است که در علم زیست‌شناسی بیان شده و در نتیجه تفکر در آفرینش چنین حیوانی انسان را به آفریننده او هدایت می‌کند.

تفکر در خلقت عموم چهار پایان نیز در قرآن آمده و توجه مردم را به آن جلب نموده است: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِيُنظُرُوا كَيْفَ يُنْفِخُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَكَيْفَ يَنْفِخُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ»^{۳۲} «و در وجود چهارپایان، برای شما درس‌های عبرتی است: از درون شکم آن‌ها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم.» خداوند می‌فرماید ما از آن چه که در شکم حیوانات است، شیری از میان سرگین و خون بیرون می‌آوریم و به شما می‌نوشانیم که به هیچ یک از آن دو آلوده نبود و طعم و بوی هیچ یک را با خود ندارد؛ شیری گوارا برای نوشندگان که خود عبرتی است برای عبرت‌آموزان و وسیله‌ای است برای راه بردن به کمال قدرت و نفوذ قدرت اراده خدا؛ چه آن کسی که شیر را از میان سرگین و خون، پاک بیرون می‌آورد، قادر است که انسان را خلق کند و دوباره زنده کند. این مسئله موجب شناخت انسان به خدا و قیامت می‌شود.^{۳۳} نهج البلاغه نیز به تبعیت از قرآن انسان را به تأمل درباره مخلوقات گوناگون دعوت نموده از او می‌خواهد که در این موارد بیندیشد و حقیقت

را درک کند: «أَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فِي سَوَافِرِ جَبَّتِهَا وَأَطَافَةِ هَيْبَتِهَا»^{۳۴} «به مورچه و کوچکی جنه آن بنگرید که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود.» توجه به کیفیت آفرینش مورچه، لطافت جسم و راه رفتن او بر زمین که چگونه برای به دست آوردن روزی تلاش می‌کند و دانه‌ها را به لانه خود منتقل می‌سازد و در جایگاه مخصوص نگه می‌دارد؛ بهترین گواه بر خالق قادر و مدبری است که اداره نظام آفرینش را به عهده دارد. به هر حال، تفکر در مخلوقات و چگونگی زندگی آن‌ها یکی از راه‌های تقویت فکر و اندیشه و از روش‌های مؤثر تربیتی به حساب می‌آید که در تحول عقیده انسان نقش بسزا دارد و پیامبر اسلام هم از این شیوه در تعلیم و تربیت مردم استفاده کرده است.

۱.۳. تفکر در قرآن کریم

از جمله مواد اندیشه‌ورزی و تدبر، خود قرآن کریم است که انسان را به حقیقت هدایت می‌کند؛ چرا که قرآن هادی به حق و به فرموده علی (علیه‌السلام) «قَائِلٌ مُصَدِّقٌ»^{۳۵} «سخنش تصدیق می‌شود» است. قرآن هم چنین کتابی است که: «لَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ عِزًّا»^{۳۶} «هیچ گونه کزبی در آن قرار نداد.» چنین کتابی شایسته است که مورد تأمل و تفکر انسان قرار گیرد تا با الهام از آیات قرآن راه صحیح را برگزیند؛ زیرا قرآن جز به راه راست و درست هدایت نمی‌کند. از این جاست که درباره توصیف قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْرَبُ»^{۳۷} «این قرآن به راهی که استوارترین راه‌ها است هدایت می‌کند.» منظور از راه مورد تأیید قرآن، دین مقدس اسلام می‌باشد که محکم‌ترین دین‌ها و استوارترین راه‌ها است؛ هم به لحاظ رسایی گفتار و بیان و هم به لحاظ جامعیت و اتقان محتوا.

عدم اختلاف در آیات قرآن یکی از موارد تأمل در آن است و حقیقت ادعای پیامبر را که مدعی نبوت بود اثبات می‌کند. علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد: همین عدم اختلاف در قرآن، انسان را بدین مطلب رهبری می‌کند که قرآن کتابی فرو فرستاده از سوی خداوند است. در حالی که اگر از جانب خدا نمی‌بود، هرگز امکان نداشت که از اختلاف فراوان خالی و عاری باشد؛ زیرا همه موجودات، به ویژه انسان بر اساس حرکت و تغییر و تحول

بدیهی است که هیچ عاقلی تردید به خود راه نمی‌دهد که این همه مزایا و ویژگی‌های نهفته در قرآن، مافوق نیروی بشری و ماورای وسائل طبیعی و مادی است. اگر کسی نیروی تشخیص نداشته باشد، باید به حکم وجدان فطری، به اهل خبره و تشخیص مراجعه کند.^{۳۰} به هر صورت، هر انسان مدبری که در قرآن تدبیر کند، با شعور زنده و حکم جبلی و فطری خود حکم می‌کند که صاحب این کلام پروردگار است.^{۳۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱. فرهنگ لغت، دهخدا، واژه «روش».
۲. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، ج ۳، ص ۶۴.
۳. المیزان، ج ۲، ص ۱۹۸.
۴. سوره فاطر (۳۵) آیه ۱۰.
۵. سوره جاثیه (۴۵) آیه ۲۴.
۶. عقل بیش از ۴۵ بار با هیئت‌های مختلف به صورت‌های «تفقلون، یعقلون، تعقل» و امثال آن در قرآن آمده است.
۷. معارف و معاریف، ج ۷، واژه عقل، ص ۱۳۷۶.
۸. اخلاق در قرآن، مصباح یزدی، محمد تقی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۰۷.
۹. علی (ع): العقل فضیلة الانسان؛ (غرر الحکم).
۱۰. الکافی، ترجمه: محمد باقر کمردای، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۸.
۱۱. ان‌الله علی الناس حجتین: حجة ظاهرة و حجة باطنة فاما الظاهرة فالرسول و الانبياء و الائمة و اما الباطنة فالمعقول؛ «به راستی خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت عیان و حجت نهان، حجت عیان انبیا و رسولان و پیامبران و امامانند و حجت نهان عقل است.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۶۴).
۱۲. المیزان، ج ۱، ص ۲۲۹.
۱۳. سوره آل عمران (۳) آیه ۱۹.
۱۴. المیزان، ج ۱۵، ص ۳۲۷.
۱۵. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۱۴-۴۱۵.
۱۶. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۱۴.
۱۷. سوره انبیاء (۲۱) آیه ۵.
۱۸. سوره انبیاء (۲۱) آیه ۳.
۱۹. جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۹۶.
۲۰. سوره غاشیه (۸۸) آیه ۱۷.
۲۱. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۲۸.
۲۲. سوره نحل (۱۶) آیه ۶۶.
۲۳. المیزان، ج ۱۲، ص ۴۱۸.
۲۴. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۸۵.
۲۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.
۲۶. سوره اسراء (۱۷) آیه ۹.
۲۷. اعجاز قرآن، ص ۸۰.
۲۸. سوره نساء (۴) آیه ۸۲.
۲۹. اعجاز قرآن، ص ۸۲.
۳۰. اعجاز قرآن، سید محمد حسین طباطبائی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۲، ص ۶۴.
۳۱. المیزان، ج ۵، ص ۲۸.

و تکامل آفریده شده‌اند و هر یک از آن‌ها در امتداد زمان وجود خود، دارای جهات گوناگون و حالات متفاوت است. هیچ انسانی نیست که هر روز خود را عاقل‌تر از روز گذشته نیابد. هرگز موجودی را در این جهان نمی‌توان یافت که در دو لحظه بر یک حال ثابت بماند، بلکه دایم هم خود موجود و هم احوال و آثار او دست‌خوش تغییر و تحول خواهند بود. بنابراین، قرآن که در طول ۲۳ سال بدون هیچ اختلافی تدوین یافته، معلوم است که از حیطة اختیار بشر خارج است و از سوی خدای متعال نازل شده است.^{۳۷}

قرآن هم به این نکته اشاره می‌کند: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^{۳۸} «آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.»

درک این مطلب که عدم اختلاف در قرآن دلیل از سوی خدا بودن آن است، با تدبیر و تعقل قابل‌وصون خواهد بود، نه به حس و تجربه یا هر دلیل دیگر. کسی که در قرآن دقت و تدبیر کند، با شعور زنده و بر اساس قضاوت فطری خود در خواهد یافت که پدید آورنده و فرستنده قرآن، از سنخ موجودات این جهانی نیست که تحت سیطره قانون تحول و تکامل بوده و مرور زمان و گذشت ایام در او تأثیر داشته باشد، بلکه این کتاب تنها از خداوند قهار و یکتایی نشأت گرفته که پدید آورنده این جهان است، نه دست‌خوش قوانین طبیعی آن.^{۳۹}

اگر یک انسان درس نخوانده، مکتب نرفته و بزرگ شده در میان قوم بی‌فرهنگ در محیط آشفته‌ای مانند جزیره العرب (عصر بعثت) که بدور از کمالات انسانی و آلوده به ردایل اخلاقی بودند، غارت و چپاول کار روزانه‌شان بود، به فسق و فجور مباحثات می‌کردند و هزاران ناهنجاری از این قبیل را مرتکب می‌شدند، کتابی بیاورد که آن را مشعل هدایت بنامد و قوانینی در آن به‌ودیعت بگذارد که تمام زندگی بشر را در برگیرد، سرگذشت اقوام پیشین و بیش‌گویی‌های نسبت به سرنوشت اقوام آینده داشته باشد که همه آن‌ها مو به مو تحقق یابند، آیا در چنین صورتی، هیچ عاقلی احتمال می‌دهد که این کتاب ساخته و پرداخته خود آن شخص باشد؟